

فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۳، صفحات ۱۳۵-۱۵۳

تحلیل کیفی جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در

شهر بندرعباس

مصطفی ظهیری نیا^۱، تقی آزادارمکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۳

چکیده

ارزش‌ها نیرومندترین عنصر تعیین‌کننده در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌روند و شیوه‌ی جهت‌گیری، کنش و تعامل افراد را تعیین و هدایت می‌کنند. از این رو این مقاله در صدد است ضمن شناسایی جهت‌گیری ارزشی افراد، رابطه‌ی آن را با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد. داده‌های این تحقیق با انجام ۳۱ مصاحبه کیفی از میان شهروندان در شهر بندرعباس، گردآوری شده است. نتایج نشان داد که ۵۱/۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان دارای جهت‌گیری ارزشی مادی، ۴۱/۹ درصد دارای گرایش‌های ارزشی التقاطی و ۶/۵ درصد نیز دارای گرایش‌های ارزشی فرامادی‌گرایانه بودند. همچنین افراد جوان‌تر، و افراد دارای تحصیلات بالاتر، بیش‌تر به سمت ارزش‌های فرامادی‌گرایش دارند. در خصوص وضعیت توسعه‌ی اقتصادی شهر بندرعباس، همه‌ی مصاحبه‌شوندگان به جز یک نفر -که توسعه‌ی اقتصادی در شهر بندرعباس را بر مبنای شرایط سیاسی می‌دانست- اعتقاد داشتند که از نظر اقتصادی و توسعه‌ی فضایی وضعیت شهر در طی چهار دهه‌ی گذشته بهتر شده است. اما در خصوص وضعیت اجتماعی و فرهنگی نظرهای متفاوتی وجود داشت. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی مصاحبه‌شوندگان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری ارزشی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌های مادی و فرامادی، استان هرمزگان.

zahirinia@hormozgan.ac.ir

tazad@ut.ac.ir

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، (نویسنده مسؤل)

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران،

مقدمه

جوامع پیشرفته‌ی صنعتی به موازات موج وسیع صنعتی‌شدن و پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی، در ابعاد اجتماعی، فرهنگی نیز تغییرات و تحولات عمده‌ای را تجربه کرده‌اند. به طوری که این تغییر و تحولات به شکل‌گیری نظام نوین اقتصادی و اجتماعی در این جوامع انجامید و آن‌ها را در مسیر تازه‌ای قرار داده است. البته این تحولات در همه‌ی جوامع به یک نسبت اتفاق نیفتاده است و جوامع مختلف به درجات متفاوت، در ابعاد صنعتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات و تحولاتی را به خود دیده‌اند. اگر چه پیشینه‌ی مطالعات مربوط به ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی و فرهنگ به مطالعه‌ی ماکس وبر با عنوان اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری برمی‌گردد (وبر، ۱۳۸۲)، اما در دهه‌های اخیر نیز بسیاری از متفکران و پژوهشگران به بررسی ارتباط میان تحولات اقتصادی و اجتماعی و تغییرات فرهنگی پرداخته‌اند. پیمایش جهانی ارزش‌ها که از دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شده است، کانون توجه خود را به این گونه مباحث معطوف کرده است.

در میان جوامع در حال توسعه، ایران از دوره‌ی قاجاریه با جهان صنعتی در ارتباط بوده است، و از آن زمان تا کنون تحولات زیادی در ایران به‌وقوع پیوسته است و بافت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظام ارزشی ایران دچار دگرگونی‌هایی شده است (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۷) و شاخص‌های توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی انسانی نسبت به گذشته بهبود یافته است (اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی، ۱۳۷۸). خواست جمعی برای دستیابی به استانداردهای نوین زندگی نیز، نشان از بروز تحولات ساختاری در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دارد. همان‌گونه که اینگلهارت پیش‌بینی کرده است در نتیجه‌ی این تغییر و تحولات، تغییرات فرهنگی و ارزشی محتمل به‌نظر می‌رسد، و جهت‌گیری ارزشی افراد از سمت مسائل و دل‌بستگی‌های مادی به سوی ارزش‌های فرا مادی گرایش پیدا خواهد کرد.

بیان مسأله

روند رو به رشد جریان صنعتی‌شدن در دهه‌های اخیر، موجب شده تا بسیاری از جوامع تحولات عمده‌ی اجتماعی و اقتصادی را تجربه کنند و شاهد استقرار نظام نوین اقتصادی و اجتماعی باشند. در نتیجه این تحولات، وضعیت شاخص‌های توسعه در این جوامع بهبود پیدا کرد. انتظار می‌رفت همگام و همراه با این تحولات، و بهبود وضعیت توسعه‌ی انسانی، نگرش‌ها و

ارزش‌های افراد جامعه نیز به سمتی تغییر یابد که به تقویت رفتارهای توسعه‌ای انجامد (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ دالتون و هم‌کاران^۱، ۲۰۰۲) و جهت‌گیری ارزشی افراد نیز از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر یابد.

جامعه‌ی ایران در پنج دهه‌ی اخیر از نظر وضعیت اجتماعی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دوران‌های حیات خویش را تجربه کرده است، به گونه‌ای که همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بوده است و از طریق مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و جریان‌های توسعه، ساختارهای آن دگرگون شده است. فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در کشور ما نیز موجب رشد شاخص‌هایی هم‌چون صنعتی‌شدن، شهرنشینی، باسواد، توسعه‌ی انسانی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، تحرک اجتماعی و... شده است. اما مسأله این است که آیا هم‌گام و هم‌آهنگ با این تحولات، در نگرش‌ها و ارزش‌های افراد تغییر به‌وجود آمده است؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که ارزش‌ها اصلی‌ترین عنصر تعیین‌کننده‌ی فرهنگ به شمار می‌روند و ثبات یا تغییر آن‌ها موجب ثبات یا تغییر فرهنگ در طول زمان می‌شود و بالطبع ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین وقتی که بحث تغییر فرهنگی و ارزشی مطرح می‌شود، بررسی مسأله‌ی جهت‌گیری ارزشی افراد و بررسی ارتباط آن با شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی در استان هرمزگان در چهار دهه‌ی گذشته، وضعیت خاصی را تجربه کرده است. این استان در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری^۲ در دهه‌های گذشته، تغییر و تحولات عمده‌ای به خود دیده است. با آغاز به کار پروژه‌های عظیم صنعتی، تغییر و تحولات عمده‌ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی در استان هرمزگان به‌وجود آمد، هم‌چنین در طی این سال‌ها، بسیاری از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از جمله سطح آموزش، بهداشت و امید به زندگی بهبود چشمگیری یافت. بنابراین مطابق نظریه‌های تغییرات فرهنگی، انتظار می‌رفت که در سایه‌ی تحولات اجتماعی و اقتصادی، جهت‌گیری ارزشی افراد نیز به‌طور متناسب و هماهنگ با بعد سخت توسعه در استان، تغییر یابد و در نتیجه زمینه‌های حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار در جامعه فراهم شود. اما بر اساس مشاهدات و

^۱ Dalton et al

^۲ احداث بنادر عظیم و تأسیسات بندری شهید رجایی و شهید باهنر، توسعه‌ی صنایع نفت و گاز، توسعه‌ی پالایشگاه‌ها، صنایع کشتی‌سازی، آلومینیوم، فولاد، توسعه‌ی گمرکات، مناطق آزاد تجاری قشم و کیش و...

تحقیقات انجام شده (رئوفی، ۱۳۸۵؛ اخلاقی پور، ۱۳۷۹) شواهدی یافت می‌شود که نشان از جهت‌گیری‌های ارزشی سنتی، خاص‌گرایانه و قوم‌مدارانه و ناهماهنگ با شاخص‌های توسعه در میان شهروندان هرمزگانی و به‌ویژه شهروندان بندرعباسی دارد. بر این اساس با توجه به مطالب فوق، ضرورت داشت موضوع مقاله‌ی حاضر به صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد تا ضمن شناخت بیش‌تر در زمینه‌ی وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد، به بررسی ارتباط میان تغییرات اجتماعی و اقتصادی و جهت‌گیری ارزشی آن‌ها بپردازد. بدیهی است که شناخت بیش‌تر و دقیق‌تر مسائل فرهنگی و ارزشی آن‌هم در جامعه‌ی چندفرهنگی مانند شهر بندرعباس از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا شناخت بیش‌تر مسائل فرهنگی و ارزشی می‌تواند منجر به حفظ و تقویت انسجام اجتماعی گردد. از این رو در این مقاله ما در صدد هستیم تا ضمن شناخت جهت‌گیری ارزشی افراد، ارتباط میان جهت‌گیری ارزشی آنان را با تغییرات اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی و شناخت وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد؛
- ۲- بررسی ارتباط میان تغییرات اقتصادی و اجتماعی و نوع جهت‌گیری ارزشی.

پیشینه‌ی موضوع

پیشینه‌ی مطالعات در حوزه‌ی فرهنگ و توسعه به نظریه‌ی وبر در خصوص اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری بر می‌گردد. به زعم وبر رشد سرمایه‌داری در غرب مدیون آموزه‌های کالونی مذهب پروتستان است. وبر اعتقاد دارد در آیین کالونسیسم، نوعی عقلانیت وجود دارد که فعالیت اقتصادی سودمند را موجب می‌شود (وبر، ۱۳۸۲). در دهه‌های اخیر مطالعات جامع‌تری در حوزه‌ی توسعه و تغییرات فرهنگی انجام شده است؛ مطالعه‌ی ولزل و هم‌کارانش (۱۳۸۲) تحت عنوان «توسعه‌ی انسانی، به‌عنوان نظریه‌ای کلی درباره‌ی تغییر اجتماعی؛ دیدگاهی چند سطحی و میان فرهنگی»^۱، که جریان و ماهیت تغییرات اجتماعی و از جمله تغییر ارزش‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها سه مؤلفه‌ی توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی، تغییر فرهنگی و دموکراتیک شدن را

^۱ Human development as a general theory of social change: A multilevel and cross-cultural perspective

نشانگان به هم پیوسته‌ای از تغییر اجتماعی می‌دانند. این بررسی که براساس داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها انجام شده است نشان می‌دهد که نشانگان توسعه‌ی انسانی به واسطه‌ی تأثیر علی منابع فردی و ارزش‌های بیان نفس بر حقوق واقعی به‌وجود می‌آیند (ولزل و هم‌کاران، ۱۳۸۲:۲۰۰۱).

در مطالعه‌ی دیگری اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) به بررسی نقش توسعه‌ی اقتصادی در تغییر یا پایداری ارزش‌های سنتی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت، یعنی تغییرات گسترده و هم‌چنین پایداری هستند و توسعه‌ی اقتصادی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق به سمت ارزش‌های عقلانی و مشارکت جویانه می‌شود (اینگلهارت و بکر^۲، ۲۰۰۰).

در مطالعات ملی انجام شده در ارتباط با موضوع مقاله حاضر، می‌توان به مطالعه آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) در زمینه‌ی تغییرات فرهنگی در ایران اشاره کرد و آن‌ها در تحقیقشان به صورت تجربی نظریه‌ی اینگلهارت را بر روی ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان تطبیق و نشان داده‌اند که در ایران نیز مانند کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی میان نگرش‌ها و ارزش‌های مادیون و فرامادیون تفاوت‌هایی وجود دارد (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳).

خالقی‌فر نیز در مطالعه‌ی خود جهت‌گیری ارزشی جوانان ایرانی را در مقایسه با برخی کشورها و با استفاده از نظریه‌ی اینگلهارت مورد بررسی قرار داده است. وی نشان داده است که جوانان ایرانی دارای ارزش‌های سنتی و مادیگرایانه و قوم‌مدارانه بوده‌اند. این نتایج با ارزش‌های افراد در سه کشور مجارستان، آرژانتین و آفریقای جنوبی هم‌سو و هم‌نوا بوده است (خالقی‌فر، ۱۳۸۱).

مبانی و چارچوب نظری

موضوع اصلی در میراث نظریه‌های جامعه‌شناختی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بود که جامعه در حال دگرگونی از یک جامعه‌ی مبتنی بر روابط نخستین اجتماع کوچک و بسته و نیز مبتنی بر ارتباطات خونی، خویشاوندی و نزدیک، به یک جامعه‌ی در حال تبدیل به جامعه‌ی صنعتی تشکیل یافته از روابط ثانویه است. که این دگرگونی، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و اثرات عمیقی بر زندگی افراد باقی خواهد گذاشت (دیکنز، ۱۳۷۷: ۴۸). طی دو سده‌ی گذشته

¹ Welzel, C., R. Inglehart and H. Klingemann

² Inglehart, R. and W. E. Baker

نظریه پردازان اجتماعی کوشیده‌اند نظریه‌ی کلانی پروراندند که ماهیت دگرگونی اجتماعی را تبیین کند؛ اما هیچ یک از نظریه‌های تک عاملی نمی‌تواند تنوع و گوناگونی توسعه و تغییرات اجتماعی را توضیح دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ بنابراین می‌توان گفت تکیه بر نظریه‌های تک عاملی، نمی‌تواند ما را در تبیین تحولات جوامع یاری رساند. لذا در این بخش با بهره‌گیری از نظریه‌های مرتبط با تغییرات فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه به تنظیم مبانی و چارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

بدون شک ماکس وبر یکی از برجسته‌ترین اندیشمندانی است که در حوزه‌ی فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه‌ی جوامع، نظریه‌های ارزشمندی را ارائه کرده است. ماکس وبر با شناخت عمیق و تحلیل ساختاری دقیق خود از نهادهای اجتماعی به صورت تطبیقی توانست نقش ارزش‌ها را در تعیین کنش افراد، در یک چارچوب نظری قرار دهد. اهمیت کار او در روش تحلیل نظام کنش‌های اجتماعی است که در درون آن‌ها باورها، ارزش و نیز نیروهای اقتصادی بر کنش تأثیر می‌گذارند (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۱). وبر بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های خود را در مورد ارزش‌ها و توسعه در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری بیان کرده است که بدون تردید یکی از مشهورترین آثار علوم اجتماعی است. نکته‌ی قابل توجه در دیدگاه وبر درباره‌ی پیشرفت و توسعه‌ی جوامع این است که پیشرفت و توسعه‌ی جوامع متأثر از عوامل ذهنی- فرهنگی است و این عوامل در خصوص اعتقادات مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جوامع (مذهب پروتستان) نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت اقتصادی ممالک سرمایه‌داری غرب داشته است (وبر، ۱۳۸۲: ۸). وبر معتقد است که روحیه‌ی اقتصادی، جنبه‌ی اساسی طرز تفکر سرمایه‌داری است. این روحیه در واقع ناشی از میل به موفقیت انسان‌ها است که در مسلک پیوریتن‌ها به‌عنوان یک ارزش مطرح شده است (همان: ۷)؛ لذا فرهنگ دنیوی و سوداگرایانه‌ی پیوریتانی و پروتستانی که در عرصه‌ی اقتصاد خواستار و مبلّغ پشتکار، صرفه‌جویی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و خردگرایی در کسب و کار و اداره‌ی امور و تولید و توزیع بود، نقش اساسی را در پیدایش و رشد سرمایه‌داری در اروپا ایفا کرده است. بنابراین خردگرایی عامل رشد سرمایه‌داری و تحکیم بخش فرایند پیشرفت آن است. البته، وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری صریحاً اعلام می‌کند، این تصور که سرمایه‌داری و توسعه‌ی ملل غرب به‌دلیل پروتستانیسیم به‌وجود آمده است، یقیناً خطاست، و ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم وبر پروتستانیسیم را علت سرمایه‌داری می‌دانسته است. اما حقیقت آن است که روح سرمایه‌داری و روح مذهبی پروتستان تناسبی معنادار با هم دارند. پروتستانیسیم، تنها علت رشد سرمایه‌داری نبوده، بلکه نطفه‌ی سرمایه‌داری را بارور ساخته است. وبر در مطالعاتش

به‌ویژه در اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری، کوشیده است تا اشکال مختلف عقلانی شدن فرهنگ و اهمیت چنین مباحثی را برای تکامل اجتماعی اقتصادی بیان کند (ویر، ۱۳۸۲: ۸). به طور کلی دیدگاه وبر درباره‌ی فرهنگ، عقلانیت، سرمایه‌داری و . . . به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مؤثر بوده است که از آن جمله می‌توان به نظریه‌ی مک کله لند، پارسنز و اینگلهارت اشاره کرد.

مک کله لند معتقد است که میل به موفقیت، عاملی مهم و قطعی در تعیین میزان موفقیت است. وی پیشرفت را ناشی از روحیه‌ی کار آفرینانه می‌داند و بر این باور است، در جامعه‌ای که روحیه‌ی نیاز به موفقیت در آن عموماً در سطح بالاتری است، کارآفرینان پرنیروتری تولید خواهد کرد که این به نوبه‌ی خود موجب توسعه‌ی اقتصادی سریع‌تری خواهد شد (مک کله لند^۱، ۱۹۶۱: ۲۰۵). خلاصه این‌که مک کله لند اثبات می‌کند که نیاز به موفقیت در افراد مختلف و در فرهنگ‌های متفاوت یافت می‌شود و با شاخص‌های دیگر توسعه مانند رشد اقتصادی هم بسته است (هاریسون^۲، ۱۹۹۷: ۱۹).

پارسنز نیز در طرح متغیرهای الگویی خود، چهار نوع جهت‌گیری دوگانه^۳ را مطرح می‌کند که از هر فرد انتظار می‌رود در هنگام کنش در چارچوب نظام اجتماعی آن را اجرا کند. البته چنان‌که می‌دانیم وضعیت جامعه‌پذیری افراد در اجتماع بر روی چگونگی اجرا و جهت‌گیری نقش به‌سزایی دارد. پارسنز با این طبقه‌بندی می‌خواهد ارزش‌های جوامع گوناگون را به‌دست آورد و ماهیت آن‌ها را در رابطه با این جهت‌گیری‌ها مشخص کند (پارسونز و اسملسر^۴، ۱۹۸۴: ۳۳). به نظر پارسنز در جوامع مدرن امروزی جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و غیرعاطفی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت‌گیری عکس آن رابطه را دچار بدکارکردی می‌کند. به زعم پارسنز مهم‌ترین ویژگی جوامع مدرن عام‌گرایی است که بر اساس قواعد رفتاری و حقوقی و به صورت دموکراتیک تنظیم شده است (پارسونز و هم‌کاران، ۱۹۷۵: ۷۸-۷۹).

یکی دیگر از نظریه‌هایی که به بررسی ارتباط میان تغییرات اقتصادی - اجتماعی و تغییرات فرهنگی و ارزشی پرداخته است و با توفیقات نسبی در این زمینه همراه بوده است، نظریه‌ی دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت است. وی در اثر خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه‌ی

¹ McClelland, David C.

² Harrison, David

^۳ عاطفی - غیر عاطفی، عام‌گرایی - خاص‌گرایی، ویژه - پراکنده، انتسابی - اکتسابی

⁴ Parsons and Smelser

پیشرفته‌ی صنعتی به بررسی ارتباط میان زمینه‌ی‌های فرهنگی و ارزشی از یک سو، و شرایط اقتصادی جامعه از سوی دیگر پرداخته است و این تعامل را با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. اینگلهارت دگرگونی فرهنگی و ارزشی را امری تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه‌ی نسل‌های مختلف قلمداد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). وی در نظریه‌ی دگرگونی ارزشی، ارزش‌ها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم‌بندی می‌کند و بر این باور است که در جوامع پیشرفته صنعتی، در نتیجه رونق اقتصادی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دل‌بستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی به سوی تأکید بیش‌تر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا کرده است (همان: ۱-۳).

آنچه در فرایند دگرگونی ارزشی محور اصلی بحث قرار می‌گیرد، گذار از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی در جوامع است. اینگلهارت فرایند تغییر ارزش‌ها را فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، باید این فرایند در آن کشور روی دهد (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۲).

اینگلهارت برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از دو فرضیه‌ی پیش‌میان‌کننده بهره می‌برد:

- ۱ - فرضیه‌ی کمیابی^۱، که در آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است، به نحوی که شخص بیش‌ترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه‌ی آن نسبتاً کم است.
- ۲ - فرضیه‌ی اجتماعی شدن^۲، که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حدّ زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۳۳).

دو فرضیه‌ی اساسی فوق مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از پیش‌میان‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه‌ی کمیابی به رابطه میان شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزش‌های فرامادی اشاره دارد، فرضیه‌ی اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه جای‌گزینی نسلی می‌داند. در واقع فرضیه‌ی اجتماعی شدن، فرضیه‌ی کمیابی را تکمیل می‌کند (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۳) و نتیجه‌ی اساسی‌تری را به دست می‌دهد. به بیان دیگر دگرگونی ارزشی نه مستقیم بلکه به واسطه و به همراه ورود نسل جدید به جامعه رخ می‌دهد؛ چرا که نفوذ ارزش‌های جدید بازتاب درک ذهنی افراد از امنیت مالی و جانی است، نه از

¹ Scarcity hypothesis

² Socialization hypothesis

³ Inglehart, R.

خود سطح اقتصادی. به عبارت دیگر نظام ارزشی فرد تحت تأثیر وضع اقتصادی او نیست؛ بلکه بیش‌تر از آن، بر اثر محیط‌های فرهنگی و نهادهای رفاه اجتماعی سامان می‌پذیرد و مجموعاً فضای پرورش و رشد فرد را شکل می‌دهند (معیدفر، ۱۳۸۶: ۵۷).

با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت می‌توان گفت که اولویت‌های ارزشی افراد، هم تحت تأثیر میزان رفاه اقتصادی و اجتماعی و هم جریان جامعه‌پذیری است. چنان‌چه فردی در دوران اولیه‌ی زندگی خویش، در محیط آرام اجتماعی و سیاسی همراه با تأمین نیازهای اقتصادی و امنیتی باشد، گرایش او به سمت ارزش‌های فرامادی محتمل‌تر است و به تعبیری، وی ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهد. در مقابل اگر افراد وضعیت فوق را تجربه نکرده باشند، اولویت ارزشی آن‌ها دگرگون شده و ارزش‌های مادی در اولویت قرار می‌گیرند.

مطابق دیدگاه اینگلهارت می‌توان گفت که ارزش‌های افراد در جامعه‌ی آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آن‌ها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه‌پذیری احساس کرده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند. در یک سو افراد مسن‌تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده‌اند و در سوی دیگر جوان‌ترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده‌اند.

با توجه به این که مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا به بررسی و شناخت جهت‌گیری ارزشی افراد و ارتباط آن با میزان بهره‌مندی افراد از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه‌ی انسانی بپردازد و در واقع به نوع جهت‌گیری ارزشی افراد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف مربوط می‌شود؛ لذا چارچوب نظری تحقیق با بهره‌گیری از نظریه‌های مطرح شده و با تأکید بر نظریه‌ی دگرگونی ارزشی اینگلهارت تدوین شده است.

همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، نظریه‌ی دگرگونی ارزشی بر دو فرضیه‌ی مهم و اساسی، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است و اینگلهارت نیز برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از این دو فرضیه پیش میانی کننده بهره می‌برد. زیرا این فرضیه‌ها مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از پیش میانی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. درحالی که فرضیه‌ی کمیابی به رابطه میان شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزش‌های فرامادی اشاره دارد، فرضیه‌ی اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه جایگزینی نسلی می‌داند. در واقع فرضیه‌ی اجتماعی شدن، فرضیه‌ی کمیابی را تکمیل می‌کند. مطابق دیدگاه اینگلهارت می‌توان گفت

که ارزش‌های افراد در جامعه‌ی آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آن‌ها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه‌پذیری احساس کرده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند؛ در یک سو افراد مسن‌تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده‌اند و در سوی دیگر جوان‌ترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده‌اند. بنابراین با توجه به مطالب فوق نظریه‌ی دگرگونی ارزشی (تغییر از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی) که بر اساس دو فرضیه‌ی مهم، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است، می‌تواند چارچوب و راهنمای مناسبی برای تحقیق حاضر باشد.

به‌طور کلی بر اساس نظریه‌ی دگرگونی ارزشی می‌توان گفت تغییر در جهت‌گیری‌های ارزشی افراد بازتاب شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد است. به‌عبارت دیگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد، می‌تواند پیش‌میان‌کننده‌ی جهت‌گیری ارزشی مادی یا فرامادی آن‌ها باشد. پارسنز نیز با طرح متغیرهای الگویی، اذعان دارد که در جوامع مدرن و پیشرفته جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و خنثی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت‌گیری عکس آن، رابطه را دچار بدکارکردی می‌کند. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود پارسنز نیز به رابطه‌ی میان پیشرفت و توسعه‌ی جوامع و تغییر در عناصر فرهنگی مانند عام‌گرایی اشاره داشته است. با توجه به این‌که تحقیق حاضر در جامعه‌ای انجام می‌شود که ویژگی بارز آن چند قومی و چند فرهنگی بودن است و مسأله‌ی حفظ انسجام اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ لذا موضوع عام‌گرایی و میزان آن می‌تواند متغیر مناسبی در جهت تبیین وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد به حساب آید.

بر این اساس در این مقاله متغیرهای مستقل شامل میزان بهره‌مندی افراد از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌انسانی مانند سطح تحصیلات، احساس سلامتی (امید به زندگی)، درآمد خانواده، عام‌گرایی و رضایت از زندگی است. نوع جهت‌گیری ارزشی نیز در این تحقیق متغیر وابسته است که با استفاده از سنجه‌ی دوازده ارزشی اینگلهارت سنجیده شده است و از این طریق در نهایت وضعیت نوع جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان مشخص می‌شود.

فرضیات تحقیق

فرض محوری در این تحقیق این است که میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی افراد تناسب وجود دارد. به عبارت بهتر به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد جهت‌گیری ارزشی آنان از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی خواهد بود.

روش شناسی کیفی

افرادی که در این مطالعه مورد مصاحبه قرار گرفتند، به صورت هدف‌مند از میان افراد ۱۸ سال و بالاتر که حداقل برای مدت پنج سال در شهر بندرعباس سابقه سکونت داشتند انتخاب و سعی کردیم تا براساس ملاک‌های تحصیلات، بومی یا غیربومی بودن، جنسیت و سن، نمونه‌ی ما تیپ‌های مختلفی را در بر داشته باشد. به علاوه سعی کردیم در هر تیپ حداقل با دو یا سه نفر مصاحبه کنیم. در مجموع ۳۱ مصاحبه انجام شد.

محورهای مصاحبه عبارت بودند از: جهت‌گیری ارزشی افراد، دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد مقایسه‌ی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس نسبت به گذشته، مصداق‌های بهبود یا عدم بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس و میزان تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و عام‌گرایی مصاحبه‌شوندگان.

برای سهولت مقایسه و تحلیل محورهای فوق، در زمان مصاحبه، پاسخ‌های مصاحبه‌شونده با دقت یادداشت شد. پس از اتمام مصاحبه نیز پاسخ‌ها را در سه مقوله‌ی کلی وضعیت جهت‌گیری ارزشی، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس دسته‌بندی کردیم. در این جا لازم است سؤالات اصلی مطالعه را که در بخش کیفی بنا داریم به آن‌ها پاسخ دهیم، به‌طور خلاصه مرور کنیم. همان‌گونه که قبلاً مطرح کردیم، شهر بندرعباس در طی دهه‌های گذشته در معرض تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این تغییرات به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصادی و صنعتی به خوبی نمایان است. رشد سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی اقتصادی به جذب افراد زیادی در قالب مهاجر، به این منطقه انجامید، در نتیجه حجم جمعیت این شهر در مدت زمان کوتاهی افزایش چشمگیری پیدا کرد و تغییرات اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشت. از آنجایی که بر اساس نظریه‌ی دگرگونی ارزشی، رشد اقتصادی سبب به‌وجود آمدن احساس رفاه و امنیت اقتصادی و در نتیجه گرایش افراد به سوی ارزش‌های فرامادی خواهد شد، مسأله‌ی این مطالعه این است که آیا تغییرات اقتصادی در شهر بندرعباس موجبات احساس رفاه و امنیت اقتصادی و

اجتماعی و در نهایت دگرگونی ارزشی را فراهم آورده است یا خیر؟ چه عواملی بر جهت‌گیری ارزشی تأثیر دارند؟

در جریان اجرای مصاحبه‌ها، به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق سعی کردیم مصاحبه‌ها تیپ‌های متفاوتی از افراد را در برگیرد. در تیپولوژی اولیه با در نظر گرفتن چهار معیار تحصیلات، بومی یا غیربومی بودن، سن و جنسیت، ۱۶ تیپ را مشخص کردیم و به‌طور تقریبی در هر تیپ با دو نفر مصاحبه کردیم. اما در حین انجام مصاحبه‌ها و با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها دریافتیم که سن و جنسیت تفاوتی در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ایجاد نمی‌کند، در نتیجه با حذف دو معیار سن و جنسیت تیپ‌های مورد مطالعه به چهار تیپ کاهش یافت. این تیپ‌ها عبارتند از:

۱- بومی دارای تحصیلات دانشگاهی؛ ۲- غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی؛ ۳- بومی بدون تحصیلات دانشگاهی؛ ۴- غیربومی بدون تحصیلات دانشگاهی.

جدول شماره‌ی یک- تیپ‌های چهارگانه‌ی مصاحبه‌شوندگان

بدون تحصیلات دانشگاهی		دارای تحصیلات دانشگاهی	
غیربومی	بومی	غیربومی	بومی
۶	۹	۸	۸
۱۵		۱۶	

یافته‌های کیفی

یافته‌های کیفی از طریق انجام مصاحبه‌های کیفی با ۳۱ نفر از شهروندان بندرعباسی به دست آمده است. قبل از ارائه‌ی یافته‌های کیفی لازم است به‌طور خلاصه پاسخ‌گویان نمونه را توصیف کنیم.

سیمای مصاحبه‌شوندگان: از مجموع ۳۱ نفر مصاحبه‌شونده ۲۰ نفر مرد و ۱۱ نفر زن بودند و میان ۲۶ سال تا ۶۳ سال سن داشتند. هم‌چنین از نظر تحصیلات چهار نفر کمتر از دیپلم، یازده نفر دیپلم، سه نفر فوق دیپلم، هفت نفر لیسانس، پنج نفر فوق لیسانس و یک نفر نیز دکتر بودند. نتایج حاصل از بررسی وضعیت جهت‌گیری ارزشی مصاحبه‌شوندگان با استفاده از سنجه‌ی دوازده ارزشی اینگلهارت نشان می‌دهد که ۵۱/۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان دارای جهت‌گیری

ارزشی مادی، ۴۱/۹ درصد دارای گرایش‌های ارزشی التقاطی و ۶/۵ درصد نیز دارای گرایش‌های ارزشی فرا مادی گرایانه بودند.

در خصوص وضعیت اقتصادی شهر بندرعباس و در پاسخ به سؤالاتی که وضعیت شهر بندرعباس را در چهار دهه‌ی گذشته از نظر اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌داد، اکثر مصاحبه‌شوندگان به جز یک نفر که توسعه‌ی اقتصادی در شهر بندرعباس را بر مبنای شرایط سیاسی می‌دانست، اعتقاد داشتند که از نظر اقتصادی و توسعه‌ی فضایی وضعیت شهر در طی چهار دهه‌ی گذشته بهتر شده است. مصاحبه‌شوندگان موارد زیر به عنوان مصداق‌هایی از بهتر شدن وضعیت اقتصادی از سوی مصاحبه‌شوندگان ارائه شد: توسعه‌ی صنایع نفت و گاز و تأسیسات پالایشگاهی مرتبط، احداث و بهره‌برداری از تأسیسات بندری و گمرکی در بنادر شهید رجایی و شهید باهنر، احداث و بهره‌برداری از مجتمع‌های صنعتی مانند آلومینیوم المهدی، هرمزال، فولاد هرمزگان، کشتی‌سازی و...، توسعه‌ی فضایی شهر، بهسازی و توسعه‌ی فضاهای عمومی و رفاهی و مراکز خرید، استقرار واحدهای صنعتی در شهرک‌های صنعتی، احداث و توسعه‌ی خطوط ریلی. اما در خصوص وضعیت اجتماعی و فرهنگی نظرهای متفاوتی وجود داشت که ابتدا آن‌ها را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کنیم و سپس در قالب تیپ‌های چهارگانه^۱ به بررسی نظرهای مصاحبه‌شوندگان می‌پردازیم:

الف- عده‌ای معتقد بودند که در نتیجه‌ی بهبود اوضاع اقتصادی شهر، وضعیت اجتماعی و فرهنگی هم به نسبت گذشته بسیار بهبود پیدا کرده است. افراد مسن‌تر و بدون تحصیلات دانشگاهی اعم از بومی و غیربومی غالباً با این دیدگاه هم‌سو بودند. این دسته از مصاحبه‌شوندگان بیش‌تر بر ظواهر و نمودهای عینی توسعه تأکید داشتند. به گونه‌ای که سطح آموزش، بهداشت و رفاه شهروندان به دلیل توسعه‌ی آموزش عالی، توسعه‌ی مراکز بهداشتی و درمانی، توسعه‌ی مراکز رفاهی و فرهنگی بالاتر رفته است.

ب- عده‌ای دیگر بر این باور بودند که با وجود این‌که در بسیاری از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی بهبود نسبی به چشم می‌خورد؛ پایین بودن میزان برخی از شاخص‌ها مانند اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و همچنین افزایش میزان خاص‌گرایی و نگرش‌های منفی میان‌گروهی، تعلقات گروهی و عدم ثبات مدیریتی و در نتیجه‌ی آن اعمال سلیقه در اجرای

^۱ افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بومی، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی غیر بومی، افراد بدون تحصیلات دانشگاهی بومی، افراد بدون تحصیلات دانشگاهی غیر بومی

برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله مهم‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی موجود به شمار می‌روند.

۱- در میان افراد بومی که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی نسبتاً پایین بود و افراد بیش‌تر بر خاص‌گرایی تأکید داشتند. هم‌چنین پنج نفر از این افراد دارای گرایش‌های ارزشی مادی و سه نفر دیگر دارای گرایش‌های ارزشی مادی و فرامادی به صورت توأم (التقاطی) بودند. در این گروه یک نفر فوق دیپلم، چهار نفر لیسانس، دو نفر فوق‌لیسانس و یک نفر دکتر بودند. این دسته از افراد غیربومی بودن مسئولین، کمبود مسئولین خوب و دلسوز، دیدگاه کوتاه مدّت غیربومی‌ها به مسأله‌ی اقامت در شهر بندرعباس، گروه‌گرایی غیربومی‌ها و تبعیض‌هایی که در واگذاری مشاغل و موقعیت‌های اداری و سیاسی وجود دارد را به عنوان عوامل مؤثر در کاهش اعتماد اجتماعی و عام‌گرایی خود ذکر می‌کردند.

۲- در مقابل افراد بومی بدون تحصیلات دانشگاهی، حضور افراد غیربومی بدسابقه (افراد معتاد، افراد دارای بیماری‌های واگیردار، بی‌کاران فصلی)، بی‌کاری جوانان بومی را به عنوان عوامل مؤثر در کاهش اعتماد و عام‌گرایی اعلام می‌کردند. در این گروه که دو نفر دارای تحصیلات کمتر از دیپلم و هفت نفر دیپلم بودند، شش نفر دارای جهت‌گیری ارزشی مادی و سه نفر دارای جهت‌گیری ارزشی التقاطی بود.

۳- در میان افراد غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی و بدون تحصیلات دانشگاهی نیز میزان اعتماد، عام‌گرایی و تعاملات اجتماعی نسبتاً پایین بود. هم‌چنین چهار نفر از این افراد دارای گرایش‌های ارزشی مادی و چهار نفر دیگر دارای گرایش‌های ارزشی التقاطی بودند. افراد غیربومی دارای تحصیلات دانشگاهی که دو نفر فوق دیپلم، سه نفر لیسانس و سه نفر فوق‌لیسانس بودند، تفاوت قائل شدن میان افراد بومی و غیر بومی به‌ویژه در موقعیت‌هایی که غیر بومی‌ها مسئولیتی ندارند و پایین بودن سطح فرهنگی جامعه را به عنوان عوامل مؤثر در کاهش اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی اعلام می‌کردند.

۴- در مقابل غیر بومی‌های بدون تحصیلات دانشگاهی بیش‌تر بر وجود ناامنی و افزایش جرمی مانند سرقت در سطح محلات به عنوان عوامل مؤثر در کاهش اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی خود تأکید داشتند. در این گروه از افراد، دو نفر کمتر از دیپلم و چهار نفر دیپلم بودند. هم‌چنین گرایش‌های ارزشی سه نفر مادی و سه نفر دیگر نیز دارای گرایش‌های ارزشی التقاطی بودند.

هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی مصاحبه‌شوندگان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. مقایسه‌ی نسبت سنخ‌های ارزشی در گروه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که میان تحصیلات و جهت‌گیری ارزشی مصاحبه‌شوندگان رابطه وجود دارد. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای جهت‌گیری ارزشی فرامادی دارای تحصیلات لیسانس و فوق‌لیسانس بودند. هم‌چنین ۶۱/۵ درصد از افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر دارای گرایش‌های ارزشی التقاطی و فرامادی بودند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که میزان اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی افراد در نوع جهت‌گیری ارزشی آن‌ها مؤثر بوده است. به عبارت دیگر جهت‌گیری ارزشی غالباً مادی افراد بیش‌تر تحت تأثیر کاهش شاخص‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و عام‌گرایی است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که توسعه محقق شده و هم‌چنین رشد مؤلفه‌های توسعه‌ی انسانی و شاخص توسعه‌ی انسانی در جامعه‌ی آماری این مطالعه، تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب را در پی نداشته است.

به‌طور کلی بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل نظرهای مصاحبه‌شوندگان می‌توان وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن و دلایل بروز و تداوم مسائل فرهنگی و اجتماعی را در قالب جدول زیر و به صورت خلاصه ذکر کرد.

جدول شماری دو- عوامل مؤثر بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهر بندرعباس از نظر مصاحبه‌شوندگان

شرح عوامل	نوع عوامل
۱- شهر بندرعباس به دلیل شرایط نامساعد آب و هوایی، دوری از مرکز و راه‌های مواصلاتی نامناسب، در طول سال‌های متمادی از سوی دولت مرکزی همواره به عنوان یک منطقه‌ی پیرامونی و تبعیدگاهی تلقی می‌شد و دولت مرکزی طرد شدگان و مجرمان سابقه‌دار را جهت تنبیه و سپری کردن دوران محکومیت به این شهر تبعید می‌کرد. حضور چنین افرادی با پیشینه‌ی سوء در میان مردم از نظر تاریخی منجر به شکل‌گیری تصویری نامناسب از مهاجرین در حافظه‌ی تاریخی شهروندان شده است.	طبیعی- سیاسی- اجتماعی
۲- شرایط خاص جغرافیایی (برخورداری از سواحل طولانی و مناسب برای احداث تأسیسات بندری، امکان ترانزیت کالا از طریق بنادر) و هم‌چنین بروز جنگ ایران و عراق و در خطر قرار گرفتن تأسیسات بندری و تأسیسات نفتی و بازرگانی در استان‌های درگیر در جنگ موجب گردید تا سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این منطقه صورت گیرد و رونق اقتصادی بندرعباس را در پی داشت. به گونه‌ای که بسیاری از صنایع در طی چهار دهه‌ی گذشته احداث و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و بندرعباس را به یکی از کانون‌های مهم اقتصادی، صنعتی و بازرگانی کشور تبدیل کرده است.	طبیعی- سیاسی
۳- رونق اقتصادی، صنعتی و بازرگانی بندرعباس در طی چهار دهه‌ی گذشته، جمعیت مهاجر زیادی را به سمت این شهر جذب کرده است؛ به طوری که هم‌اکنون حدود نیمی از جمعیت شهر را مهاجرین تشکیل می‌دهند.	اقتصادی- اجتماعی
۴- حضور مهاجرین و توسعه‌ی فضایی شهر در قالب شهرک‌های مسکونی جهت اسکان مهاجرین بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن موجب افزایش فاصله‌ی اجتماعی شهروندان و عدم جذب مهاجرین در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه شد.	سیاسی- اجتماعی
۵- مهاجرین در ابتدا به دلیل مزیت‌های نسبی و تفاوت‌های فردی با بومی‌ها، تصدی مشاغل نوین حاصل از روند نوسازی اقتصادی، تجاری و صنعتی را بر عهده گرفتند.	اقتصادی- اجتماعی
۶- مشاغل سنتی (ماهگیری، کشاورزی و ...) که در گذشته‌ای نه چندان دور، بومی‌ها از طریق آن‌ها امرار معاش می‌کردند به دلایلی نظیر گسترش مشاغل نوین، صید صنعتی، درآمد اندک و صرفه‌ی اقتصادی پایین رو به افول نهاد و جایگزینی مطمئن برای آن‌ها ارائه نشد.	اقتصادی- اجتماعی
۷- در نتیجه‌ی افول مشاغل سنتی و کاهش کنترل مرزهای آبی، مشاغل مرتبط با قاچاق کالا به عنوان جایگزین کوتاه مدت مشاغل سنتی، افزایش یافت.	اقتصادی- اجتماعی
۸- کنترل مرزهای آبی در دهه‌ی ۱۳۶۰ و در نتیجه کاهش میزان تبادل کالا به شیوه‌ی قاچاق موجب شد تا مشاغل قاچاق (بی‌کاری پنهان) کاهش یابد و به بی‌کاری آشکار به‌ویژه در میان بومی‌ها تبدیل گردد. در نتیجه این دسته از بی‌کاران نیز به دنبال تصدی مشاغل نوین برآمدند و رقابت بر سر منابع کمیاب (شغل) به‌وجود آمد.	اقتصادی- اجتماعی
۹- رقابت بر سر منابع کمیاب مانند شغل و درآمد مکفی به‌ویژه در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰ اغلب به نفع مهاجرین تمام می‌شد. زیرا به دلیل مزیت‌های شخصی و گروهی (تحصیلات، تخصص و حمایت اجتماعی از سوی اعضای هم‌گروه) موفق به تصدی مشاغل می‌شدند و افراد بومی غالباً به بهانه‌ی نداشتن شرایط لازم جهت تصدی شغل از این قافله عقب می‌مانند و به ناچار در مشاغل دیگر به کار مشغول می‌شدند.	اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی
۱۰- احساس رقابت بر سر منابع کمیاب از سوی اعضای هر دو گروه بومی و مهاجر و هم‌چنین فاصله‌ی شغلی و اجتماعی ایجاد شده به کاهش فرصت تماس و تعامل اجتماعی انجامید و زمینه‌ساز برخی نگرش‌های خاص گرایانه شد.	اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی
تذکر:	
۱- عوامل مندرج در جدول خلاصه نظرهای ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان (اعم از بومی یا مهاجر) است.	
۲- بدیهی است که عوامل فوق که از مصاحبه‌های کیفی استخراج شده، ممکن است نتواند وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس را به طور کامل تبیین کند. زیرا عوامل مؤثر دیگری نیز ممکن است در این زمینه وجود داشته باشند.	

بحث و نتیجه‌گیری

عدم احساس امنیت اقتصادی و شغلی و احساس رقابت آن‌هم در شرایطی که اعضای هر دو گروه به دلایلی^۱ تصدی مشاغل نوین را حق طبیعی و مسلم خود بدانند، ولی واگذاری مشاغل مطابق با انتظار افراد نباشد، هم‌چنین فاصله‌ی اجتماعی در ابعاد ذهنی و عینی آن وجود داشته باشد، موجب بروز تنش‌های میان گروهی در مناسبات اجتماعی و شغلی می‌گردد. در نتیجه‌ی شرایط فوق، میزان اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و عام‌گرایی کاهش و نگرش‌های منفی و تنش‌های اجتماعی میان گروهی افزایش می‌یابد.

بدیهی است که در چنین وضعیتی افراد ارضای نیازهای اولیه (مادی) را در اولویت قرار دهند و به دنبال ارضای نیازهای سطوح بالاتر نباشند. به بیان دیگر و به تعبیر اینگلهارتی به دلیل این‌که افراد هنوز از نظر اقتصادی و اجتماعی احساس امنیت نمی‌کنند، گذار از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی صورت نمی‌گیرد. اینگلهارت به رابطه‌ی امنیت اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌ها تأکید دارد و یکی از عوامل مؤثر بر کاهش ارزش‌های سنتی و مادی در جامعه پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند. زیرا افزایش امنیت سبب تساهل بیش‌تر، اعتماد، آسایش ذهنی و دید فرامادی می‌شود و در مقابل کاهش امنیت موجب می‌شود ارزش‌های افراد در جهت مخالف سوق پیدا کند. بر اساس یافته‌های اینگلهارت اعتماد اجتماعی، رضایت و احساس خوشبختی با سطوح بالای توسعه‌ی اقتصادی و احساس امنیت متناسب است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۱).

همان‌گونه که نتایج نشان داد فرض محوری این تحقیق یعنی عدم تناسب میان تغییرات اقتصادی و اجتماعی و تغییرات ارزشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. اکثر مصاحبه‌شوندگان ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی در اولویت قرار می‌دهند که این موضوع نشان می‌دهد که تغییرات توسعه‌ای محقق شده در جامعه، نامتوازن بوده است. زیرا علیرغم رشد مظاهر تغییر و توسعه و هم‌چنین افزایش چشم‌گیر در مؤلفه‌های توسعه‌ی انسانی^۲ در جامعه‌ی آماری این تحقیق

^۱ بومی‌ها به دلیل این‌که مشاغل در موطن آن‌ها ایجاد شده خواهان سهم شدن در تصدی این مشاغل هستند و مهاجرین نیز خود را به لحاظ مهارتی و تخصصی برای تصدی چنین مشاغلی در اولویت می‌دانند.

^۲ رشد ۱۰ درصدی شاخص آموزش در استان هرمزگان از ۷۲/۸ در سال ۱۳۷۵ به ۸۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵. (شاخص آموزش در شهر بندرعباس در سال ۱۳۸۵ برابر ۸۸/۴ درصد است). هم‌چنین افزایش امید به زندگی از ۶۵/۹ سال در سال ۱۳۷۵ به ۷۱/۱ سال در سال ۱۳۸۵. (امید به زندگی در شهر بندرعباس در سال ۱۳۸۵ برابر ۷۳ سال می‌باشد)

در سه دهه‌ی گذشته، دگرگونی ارزشی متناسب با آن رخ نداده است. هم‌چنان که یافته‌های تحقیق نیز نشان داد عوامل مختلفی در این فرایند نقش دارند، از جمله عوامل مؤثر بر وضعیت فرهنگی موجود جامعه‌ی آماری می‌توان به پایین بودن میزان عام‌گرایی، اعتماد اجتماعی و تعاملات اجتماعی میان‌گروهی، احساس فاصله‌ی اجتماعی، تعلقات اجتماعی گروهی و نگرش‌های منفی میان گروهی و باورهای کلیشه نسبت به سایر گروه‌ها اشاره کرد. همان گونه که قبلاً ذکر شد مهاجرپذیری و گردش مهاجرت در این فرایند نقش به‌سزایی داشته‌اند.

منابع

1. Akhlaqipoor, Mansoor(2000) **Native attitude towards Non-native and its Impact on the level of Social participation in Bandar Abbas** ,M.A. Dissertation. Isfahan University ,(In Persian)
2. Azadarmaki, Taqi and ahmad ghiasvand(2004) **Sociology of Cultural Change in Iran**, Tehran, An Press, (In Persian)
3. Dalton, Russell J., Pham Minh Hac, Pham Thanh Nghi and Nhu-Ngoc T. Ong (2002) **Social Relations and Social Capital in Vietnam: The 2001 World Values Survey**, Institute for Human Studies in Vietnam.
4. Dickens, Peter(1998) **Urban Sociology** ,Translated by H. Behravan, Mashad, Behnashr Press , (In Persian)
5. Ghafari, Gholamreza(2007) Iranian youth relations and social values, **Journal of Youth Studies**, Vol 8-9: 7-32. , (In Persian)
6. Giddens Anthony (2007) **Sociology** ,Translated by H. Chavosheyan, Tehran, Nay Press , (In Persian)
7. Harrison, David (1997) **Sociology of Modernization and Development**, London: Hyman.
8. Inglehart, R.(1994) **Cultural change in industrial society** ,Translated by M. Vatr, Tehran, Kavir Press , (In Persian)
9. Inglehart, R.(1997) **Modernization and Post modernization: Cultural Economic and Political Change in 43 Societies**: Princeton University Press.
10. Inglehart, R. and W. E. Baker(2000), Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values, **American Sociological Review**, vol. 65, No 1: 19-51.
11. Khaleqifar, Majid(2002) Study Material and meta-material values in Educated young Iranians and Influencing factors and their relation to some cultural syndrome, **Journal of Cultural Research**, Vol. 7, No. 3: 107-158. , (In Persian)
12. McClelland, David C.(1961) **The Achieving Society**, New York: The Free Press.
13. Moeedfar, Saeed (2007) **University and transformation of values**, Tehran, Institute of Culture, Arts and Communications, (In Persian)
14. Parsons and Smelser(1984) **Economy and society, A Study in Integration of Economic and Social Theory**: Rutledge and Kegan Paul.
15. Plan and Budget Organization, in collaboration with the United Nations(1999) **The first national report on human development in the Islamic Republic of Iran**, Tehran, PBO financial documentation center . , (In Persian)
16. Raoufi, Mahmud(2006) **Social and cultural obstacles to development in the Hormozgan province**, Ph.D Dissertation. Isfahan University , (In Persian)
17. Weber, Max (2003) **The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism** ,Translated by A. Rashidian and P. Manoochehri, Tehran, Cultural and Scientific Publishing Company, (In Persian)
18. Welzel, Chris, Ronald Inglehart and Hans - Dieter Klingon (2003) **Human development: a theory of social change**, Translated by H. Jalili, Tehran, National plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance Office, (In Persian)
19. Welzel, C., R. Inglehart and H. Klingemann (2001) **Human Development as a General Theory of Social Change: A Multilevel and Cross-cultural Perspective**, Berlin: WZB.